

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره چهاردهم ، شماره پنجاه و چهارم ، زمستان ۱۴۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۹

صفحات: ۹۴-۱۰۹

تقابل یا تعامل مصلحت و در ضرورت به روزرسانی قانون و عدم وجود متون اسلامی در

تعیین مجازات‌ها

نویسندگان:

سیدمحمد رضا موسوی فرد<sup>۱\*</sup>، رضا جاور<sup>۲</sup>، نسرين پیرانوند<sup>۳</sup>، مرضیه محمودی<sup>۴</sup>، فاطمه زهرا اربعه<sup>۵</sup>

## چکیده

جستار حاضر به بررسی تقابل یا تعامل میان مصلحت و ضرورت در به‌روزرسانی قوانین کیفری و نقش متون اسلامی در تعیین مجازات‌ها می‌پردازد. با توجه به تحولات اجتماعی، فرهنگی و حقوقی در جوامع امروزی، ضرورت بازنگری در قوانین کیفری و تطبیق آن با نیازهای زمانه بیش از پیش احساس می‌شود. از یک سو، مصلحت عمومی و ضرورت‌های اجتماعی ایجاب می‌کند که قوانین به‌روزرسانی شوند تا پاسخگوی مسائل جدید باشند. از سوی دیگر، در جوامع اسلامی، متون دینی و فقهی به عنوان منابع اصلی تعیین مجازات‌ها مطرح هستند، اما این متون به دلیل ثبات و عدم انعطاف، ممکن است با نیازهای متغیر جامعه هماهنگی کامل نداشته باشند. این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به بررسی این مسئله می‌پردازد که چگونه می‌توان میان مصلحت و ضرورت در به‌روزرسانی قوانین و حفظ اصول اسلامی تعادل برقرار کرد. همچنین، به چالش‌های ناشی از عدم وجود متون اسلامی صریح در تعیین مجازات‌های جدید اشاره می‌کند و راهکارهایی برای تطبیق قوانین با شرایط کنونی ارائه می‌دهد. پیشنهاد می‌نماید که با استفاده از اجتهاد پویا و توجه به مصلحت عمومی، می‌توان قوانین کیفری را به گونه‌ای طراحی کرد که هم پاسخگوی نیازهای جامعه باشد و هم با اصول اسلامی سازگاری داشته باشد.

واژگان کلیدی: حقوق، فقه، اسلام، دوران معاصر، ضرورت

۱: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان - mousavifard136394@gmail.com

۲: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی - razajavar88@gmail.com

۳: دکترای تخصصی گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی - nasrinbeiranvand18@gmail.com

۴: دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد - marziyemahmudi1395@gmail.com

۵: دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد - zahra.arbae77@gmail.com

## بیان مسئله

در جوامعی که قوانین کیفری بر پایه‌ی متون اسلامی استوار است، همواره این پرسش مطرح بوده که چگونه می‌توان این قوانین را با تحولات پرشتاب اجتماعی، فرهنگی، فناوری و اقتصادی جهان معاصر هماهنگ کرد. قوانین کیفری در هر جامعه‌ای نقش کلیدی در برقراری نظم، امنیت و عدالت ایفا می‌کنند، اما با گذشت زمان و ظهور پدیده‌های نوین، بسیاری از قوانین موجود ممکن است دیگر کارآمد نباشند. این چالش به ویژه در جوامع اسلامی که قوانین آنها ریشه در متون دینی دارد، عمیق‌تر است. در این جوامع، قوانین کیفری اغلب بر اساس تفسیرهای سنتی از قرآن، سنت و فقه اسلامی شکل گرفته‌اند، اما با توجه به تغییرات گسترده در عرصه‌های مختلف زندگی، ضرورت به‌روزرسانی این قوانین بیش از پیش احساس می‌شود. یکی از مهم‌ترین مشکلات در این زمینه، عدم وجود متون اسلامی صریح و روشن در مورد بسیاری از جرائم جدید است. برای مثال، جرائم سایبری، سوءاستفاده از فناوری‌های نوین، جرائم زیست‌محیطی، یا مسائل مرتبط با حقوق دیجیتال، موضوعاتی هستند که در متون سنتی اسلامی به طور مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. این خلأ قانونی باعث می‌شود که سیستم قضایی در مواجهه با این جرائم دچار سردرگمی شود و نتواند به طور عادلانه و مؤثر به آنها رسیدگی کند. از سوی دیگر، تفسیرهای سنتی از متون اسلامی ممکن است با مفاهیم مدرن حقوق بشر، برابری و عدالت سازگاری کامل نداشته باشند، که این مسئله می‌تواند به نابرابری‌ها و ناکارآمدی‌های بیشتری در اجرای قوانین منجر شود. برای مثال، در مورد جرائم سایبری، که امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی و حقوقی در جهان است، متون اسلامی هیچ راهکار مشخصی ارائه نمی‌دهند. این مسئله باعث می‌شود که قضات و قانون‌گذاران نتوانند به راحتی مجازات‌های متناسب با این جرائم را تعیین کنند. همین مشکل در مورد مسائل زیست‌محیطی نیز وجود دارد؛ در حالی که تخریب محیط زیست یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای جهانی است، متون سنتی اسلامی به طور مستقیم به این موضوع نپرداخته‌اند. این خلأها نشان می‌دهد که نیاز مبرمی به بازنگری و به‌روزرسانی قوانین کیفری بر اساس اصول اسلامی وجود دارد. تفسیرهای سنتی از متون اسلامی نیز ممکن است با شرایط فعلی جامعه سازگار نباشند. برای مثال، در برخی موارد، مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در فقه سنتی ممکن است با استانداردهای امروزی حقوق بشر و عدالت ناسازگار به نظر برسند. این تناقض‌ها می‌تواند باعث ایجاد شکاف بین قوانین موجود و انتظارات جامعه مدرن شود و به بی‌اعتمادی نسبت به سیستم قضایی بینجامد. این مقاله به دنبال بررسی این مسئله است که چگونه می‌توان قوانین کیفری را بر اساس اصول اسلامی به‌روزرسانی کرد و چگونه می‌توان خلأهای موجود در متون اسلامی را با استفاده از روش‌های نوین

اجتهادی پر کرد. همچنین، این مقاله به دنبال ارائه راهکارهایی است که بتوان از طریق آنها بین اصول اسلامی و مفاهیم مدرن حقوق بشر و عدالت تعادل برقرار کرد.

### پیشینه پژوهشی

- مقاله با موضوع: معیار تفکیک جرائم «مختلف» از جرائم «غیرمختلف» در اعمال قواعد تعدد مادی جرم که به قلم: روستایی و دیگران انگاشته شده است یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که: وحدت عنوان مجرمانه، وحدت عنصر قانونی، وحدت عناصر متشکله جرم، وحدت عناصر متشکله و مجازات. در پایان با توجه به ایرادات و مزایای هریک از این تفاسیر، ضابطه وحدت عناصر متشکله و مجازات به جهت سازگاری با اصول حاکم بر حقوق کیفری و تفسیر مضیق نصوص جزایی، بیش از سایر تفاسیر، کاشف نظر مقنن دانسته شده و به عنوان دیدگاه مختار، معرفی گردیده است.

- مقاله با موضوع: ارزیابی نحوه‌ی تعیین مجازات تعدد مادی جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری که به قلم: شریفی انگاشته شده است یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که: سویه‌ی اتخاذشده، از بُعدهایی نظیر وانهادن سیاست سخت‌گیرانه‌ی تجمیع مجازات جرم‌های درجه هفت و هشت، اجراشده تلقی کردن مجازات اشبد مندرج در دادنامه در صورت برخورداری از تعلیق، آزادی مشروط و عفو موجه و از دیگر بُعدها مانند عدم نسخ مصداق‌های خاص قانونی که بدون داشتن حکمتی ویژه، طریق دیگری غیر از مقررات عام را برای تعیین مجازات جرم‌های متعدد برگزیده‌اند و سکوت درباره‌ی چگونگی تعیین مجازات به هنگام وقوع توأمان تعدد و تکرار جرم، ناموجه می‌نماید

- مقاله با موضوع: دستاوردها و چالش‌های تعدد و تکرار جرم در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ با رویکرد کاربردی که به قلم: خالقی و دیگران انگاشته شده است یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که: در این پژوهش با رویکرد کاربردی، به صورت توصیفی-تحلیلی این تغییرات بررسی و مهم‌ترین دستاوردهای پژوهش در رابطه با نوآوری‌ها شامل؛ تعیین دامنه حداقل مجازات در صور مختلف ارتکاب جرم، توسعه دامنه مقررات تعدد جرم در جرائم تعزیری با درجه هفت و هشت و با وصف حذف قاعده جمع مجازات‌ها، به عنوان مهم‌ترین نوآوری‌ها و همچنین تفکیک جرائم به مختلف و مشابه با وصف عدم تعیین معیار مناسب برای تفکیک جرائم از حیث ماهیت، شکل ارتکاب و... به عنوان مهم‌ترین چالش فراروی قانون کاهش می‌باشند.

- مقاله با موضوع: فایده‌گرایی مجازات؛ مبانی و سازوکارها که به قلم: نوروز کارگری انگاشته شده است که در فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل به چاپ رسیده است یافته‌های تحقیقاتی حاکی از آن است که: به بررسی مکانیسم‌هایی خواهیم پرداخت که در دیدگاه آینده‌نگر برای نیل به هدف غایی مجازات مورد استفاده قرار می‌گیرند. این سازوکارهای اجرایی عمدتاً در

قالب رعب‌آوری، درمان و ناتوان سازی ظهور می‌کنند که در ادامه به آن‌ها به صورت مفصل پرداخته خواهد شد.

- چندین منبع دیگری که به موضوع پرداخته است ولی به علت "رعایت اصل اختصار" صرفنظر می‌گردد.

### مفهوم مصلحت

مفهوم مصلحت در حقوق اسلامی به معنای حفظ منافع عمومی و جلب سود و دفع ضرر از جامعه است و نقش مهمی در فقه و اصول فقه اسلامی ایفا می‌کند. این مفهوم به عنوان یکی از مبانی استنباط احکام شرعی مورد توجه قرار می‌گیرد و هدف آن تحقق اهداف شریعت است که شامل حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال می‌شود. مصلحت در واقع به دنبال تأمین منافع عمومی و جلوگیری از ضررهای فردی و اجتماعی است و در مواردی که نص صریحی از قرآن یا سنت وجود ندارد، می‌تواند به عنوان مبنایی برای استنباط احکام شرعی استفاده شود. مصلحت در فقه اسلامی به چند دسته تقسیم می‌شود: مصلحت معتبر، مصلحت ملغی و مصلحت مرسله. مصلحت معتبر به مصلحتی گفته می‌شود که با اهداف شریعت هم‌خوانی دارد و در منابع شرعی مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل به آن اشاره شده است. مصلحت ملغی مصلحتی است که شریعت آن را رد کرده و با اهداف شرعی در تضاد است. مصلحت مرسله نیز مصلحتی است که نه در شرع تأیید شده و نه رد شده است، اما به دلیل هم‌خوانی با اهداف کلی شریعت، قابل اعتبار است و در برخی مذاهب فقهی مانند مذهب مالکی به عنوان یکی از منابع استنباط احکام پذیرفته شده است. اصولاً واژه مصلحت کاربردهای زیادی دارد اصلی‌ترین معنای مصلحت به معنای جلب منفعت و دفع ضرر یکی از مباحثی است که در شرع اسلام و اخیراً در حقوق موضوعه مطرح گردیده و این در حالیست که نه تنها در دین اسلام بلکه در سایر ادیان نیز به اشکال و نام‌های مختلف مطرح و پذیرفته شده است. (عظیمی نیا، ۱۳۹۹، ص ۱)

در مذهب حنفی، مصلحت به شکل استحسان (ترجیح یک دلیل قوی‌تر بر دلیل ضعیف‌تر) مورد استفاده قرار می‌گیرد، در حالی که در مذاهب شافعی و حنبلی، مصلحت به شکل محدودتری اعمال می‌شود و بیشتر بر نص‌های شرعی تکیه می‌شود. در فقه شیعه نیز مصلحت به ویژه در چارچوب احکام حکومتی و تحت نظر ولی فقیه مطرح می‌شود. بر اساس نظریه ولایت فقیه، ولی فقیه می‌تواند در راستای حفظ مصلحت عمومی، احکام ثانویه صادر کند و در موارد ضروری، قوانینی را بر اساس مصلحت جامعه وضع نماید. مصلحت در حقوق اسلامی کاربردهای گسترده‌ای دارد. در تشریع قوانین، در مواردی که نص صریحی وجود ندارد، مصلحت می‌تواند مبنای قانون‌گذاری قرار گیرد. در

اجتهاد، فقها در استنباط احکام، مصلحت را به عنوان یکی از معیارهای مهم در نظر می‌گیرند. همچنین در سیاست‌گذاری، حکومت‌های اسلامی در تدوین سیاست‌های عمومی، مصلحت جامعه را مدنظر قرار می‌دهند و سعی می‌کنند قوانینی را وضع کنند که بیشترین نفع را برای جامعه داشته باشد. با این حال، مفهوم مصلحت با چالش‌ها و انتقاداتی نیز مواجه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، امکان سوء استفاده از مصلحت است. ممکن است برخی از حاکمان یا فقها از این مفهوم سوء استفاده کنند و آن را به‌عنوان توجیهی برای اقدامات خود قرار دهند. همچنین، گاهی مصلحت با نص‌های شرعی در تعارض قرار می‌گیرد که در این صورت، اولویت با نص است و مصلحت نمی‌تواند بر نص شرعی غلبه کند. مصلحت به عنوان یک ابزار مهم در حقوق اسلامی، به دنبال تحقق اهداف عالی شریعت و حفظ منافع عمومی است. این مفهوم باید با دقت و در چارچوب شرع اعمال شود تا از سوء استفاده و انحراف از اهداف اصلی شریعت جلوگیری شود. مصلحت در واقع پلی بین احکام شرعی و نیازهای متغیر جامعه است و به فقها و حکومت‌های اسلامی این امکان را می‌دهد که در عین پایبندی به اصول دینی، پاسخگوی نیازهای روز جامعه باشند. «مصلحت»، عنصر اساسی فلسفه- قوانین و احکام و مورد اتفاق مذاهب اسلامی است. (نجف آبادی، ۱۴۰۱، ص ۷۵)

### ضرورت تعزیر حسب زمان و مکان

مفهوم تعزیر در فقه اسلامی به مجازاتی اطلاق می‌شود که میزان و شکل آن در شرع به طور دقیق مشخص نشده است و به صلاحدید حاکم شرع یا قاضی برای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از فساد در جامعه تعیین می‌گردد. برخلاف حدود و قصاص که میزان و کیفیت آن‌ها در شرع معین شده است، تعزیر از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار است و می‌تواند با توجه به شرایط زمان و مکان تغییر کند. این ویژگی تعزیر را به ابزاری مؤثر در مقابله با جرایمی تبدیل می‌کند که مصادیق آن‌ها در طول زمان متحول می‌شوند و نیاز به پاسخ‌های متناسب با شرایط جدید دارند. تعزیر به دلیل انعطاف‌پذیری ذاتی‌اش، این امکان را فراهم می‌کند که مجازات‌ها با توجه به شرایط متغیر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی تکنولوژیکی تعیین شوند. زمان و مکان دو عنصر تأثیرگذار در زندگی کنونی است. هر چند نقش زمان و مکان به مفهوم علمی و عرفی آن تأثیر بسزایی در تحقق عینی جرم داشته و در مواردی موجب تشدید مجازات به نص شرع و قانون می‌شود، اما منظور از زمان و مکان، حوادث و تحولاتی است که در بستر زمان و گستره مکان رخ می‌دهد. بدین سان، همه جنبه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، پیشرفتهای علمی و تخصصی بشر، تغییر ساختار اقتصادی، دگرگونی در ارزشهای اخلاقی، تغییر عرف و عادت، جنگ و بحرانهای ناشی از آن، نوع حکومت و مانند آن در قلمرو بحث ما قرار می‌گیرد. (رازمند، ۱۳۹۸)

جوامع در طول زمان دستخوش تحولات گسترده‌ای می‌شوند. رفتارهایی که در گذشته مجرمانه تلقی نمی‌شدند، ممکن است در زمان حاضر به دلیل تأثیرات منفی‌ای که بر جامعه می‌گذارند، نیاز به مجازات داشته باشند. به عنوان مثال، برخی از جرائم مرتبط با محیط زیست یا حقوق دیجیتال در گذشته وجود نداشتند، اما امروزه به دلیل اهمیت یافتن این موضوعات، نیاز به برخورد قانونی دارند. از سوی دیگر، برخی مجازات‌ها که در گذشته مؤثر بودند، ممکن است در زمان حاضر کارایی خود را از دست داده باشند. تعزیر این امکان را به حاکم شرع می‌دهد که با توجه به شرایط جدید، مجازات‌های مناسب را تعیین کند. با پیشرفت تکنولوژی و تغییر شیوه‌های زندگی، مصادیق جرائم نیز تغییر می‌کند. برای مثال، جرائم سایبری، کلاهبرداری‌های اینترنتی یا نقض حقوق مالکیت فکری که در گذشته وجود نداشتند، امروزه به عنوان جرائم جدید مطرح هستند. تعزیر این امکان را فراهم می‌کند که حاکم شرع با توجه به این جرائم جدید، مجازات‌های متناسب را وضع کند و از این طریق به حفظ نظم و امنیت در جامعه کمک نماید. درباره دیگر شرایط می‌توان گفت: شرایط جغرافیایی و فرهنگی مناطق مختلف ممکن است با یکدیگر متفاوت باشد. رفتاری که در یک منطقه جرم محسوب می‌شود، ممکن است در منطقه دیگر جرم نباشد. تعزیر این امکان را به قاضی یا حاکم شرع می‌دهد که با توجه به شرایط خاص هر منطقه، مجازات‌های مناسب را تعیین کند. این انعطاف‌پذیری باعث می‌شود که قوانین با فرهنگ و عرف هر منطقه سازگار باشند و از بروز نارضایتی‌های اجتماعی جلوگیری شود. هدف اصلی تعزیر، حفظ مصلحت عمومی و جلوگیری از فساد در جامعه است. با توجه به اینکه مصلحت عمومی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد، تعزیر این امکان را فراهم می‌کند که مجازات‌ها با توجه به مصلحت جامعه تعیین شوند. به عنوان مثال، در شرایط بحرانی مانند جنگ یا شیوع بیماری‌های همه‌گیر، ممکن است نیاز به تشدید مجازات‌ها برای حفظ نظم عمومی باشد. جامعه همواره در حال تغییر است و نیازهای آن نیز متغیر است. تعزیر به عنوان یک ابزار انعطاف‌پذیر، این امکان را به حاکم شرع می‌دهد که با توجه به نیازهای جدید جامعه، مجازات‌های مناسب را وضع کند و از این طریق به حفظ نظم و امنیت در جامعه کمک کند. این ویژگی تعزیر را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوق اسلامی برای تطبیق با شرایط متغیر تبدیل می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. تعزیر به عنوان یک ابزار انعطاف‌پذیر در فقه اسلامی، این امکان را به حاکم شرع می‌دهد که با توجه به شرایط زمان و مکان، مجازات‌های مناسب را برای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از فساد در جامعه تعیین کند. این انعطاف‌پذیری باعث می‌شود که تعزیر بتواند به نیازهای متغیر جامعه پاسخ دهد و در مقابله با جرائم جدید مؤثر باشد. با این حال، برای جلوگیری از سوء استفاده و تضمین عدالت، باید نظارت دقیقی بر تعیین و اجرای مجازات‌های تعزیری وجود داشته باشد و اصول حقوقی در این زمینه رعایت شود. تعزیر در واقع پلی بین احکام ثابت شرعی و نیازهای متغیر جامعه است و در صورت اجرای صحیح، می‌تواند به حفظ عدالت و امنیت در جامعه کمک شایانی کند.

## پویایی فقه امامیه

یکی از اصلی‌ترین عوامل پویایی فقه امامیه، اجتهاد است. اجتهاد به فقها این امکان را می‌دهد که با استفاده از منابع چهارگانه فقه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و روش‌های استنباطی مانند قیاس، استحسان و مصلحت، احکام شرعی را استخراج کنند. این فرآیند به فقها اجازه می‌دهد تا با توجه به شرایط جدید، احکام متناسب را استنباط کنند و به نیازهای جامعه پاسخ دهند. علاوه بر این، مصلحت به عنوان یکی از مبانی مهم در فقه امامیه، نقش کلیدی در پویایی این مکتب فقهی ایفا می‌کند. مصلحت به معنای حفظ منافع عمومی و جلب سود و دفع ضرر از جامعه است و فقها می‌توانند با توجه به مصلحت عمومی، احکامی را صادر کنند که با نیازهای جامعه هم‌خوانی داشته باشد. این مفهوم به ویژه در احکام حکومتی و تحت نظر ولی‌فقیه کاربرد دارد. ابزار دیگری که به پویایی فقه امامیه کمک می‌کند، احکام ثانویه است. احکام ثانویه به احکامی اطلاق می‌شود که در شرایط خاص و به صورت موقت جایگزین احکام اولیه می‌شوند. برای مثال، در شرایط اضطرار، برخی از احکام شرعی مانند حرمت خوردن گوشت مردار، جای خود را به جواز می‌دهند. این احکام به فقه امامیه این امکان را می‌دهند که در شرایط خاص، انعطاف‌پذیری لازم را داشته باشد. همچنین، نظریه ولایت فقیه به عنوان یکی از مبانی مهم در فقه امامیه، این امکان را به فقیه جامع‌الشرایط می‌دهد که در زمان غیبت امام معصوم (ع)، امور جامعه را بر اساس مصلحت عمومی اداره کند. این نظریه به فقه امامیه این قابلیت را می‌دهد که در مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، تصمیم‌های لازم را اتخاذ کند. علاوه بر این، فقه امامیه به عقل به عنوان یکی از منابع استنباط احکام شرعی توجه ویژه‌ای دارد. استفاده از عقل در استنباط احکام، به فقها این امکان را می‌دهد که در مواجهه با مسائل جدید، پاسخ‌های منطقی و عقلانی ارائه دهند. این ویژگی فقه امامیه را به مکتبی پویا و انعطاف‌پذیر تبدیل کرده است که می‌تواند با تحولات جامعه هم‌گام باشد. امروزه شاهد تعداد کثیری از مسائل جدید و نوپدید هستیم که اصطلاحاً در فقه به آن‌ها «مسائل مستحدثه» گفته می‌شود؛ مکاتب الهی (غیرالهی) در مواجهه با این مسائل در تلاش هستند تا پاسخی درخور و کارآمد ارائه کنند؛ در این میان فقه شیعه نیز با بهره‌گیری از گونه‌ای خاص از «عقل ورزی» به نام «اجتهاد» سعی دارد پاسخی مناسب و شایسته به این مسائل ارائه نماید. (هاشمی، دیگران، ۱۴۰۲)

پویایی فقه امامیه در مواجهه با مسائل جدید در حوزه‌های مختلفی مانند پزشکی، اقتصاد، حقوق زنان و محیط زیست قابل مشاهده است. در حوزه پزشکی و زیست‌فناوری، فقه امامیه به مسائلی مانند پیوند اعضا، شبیه‌سازی، سقط جنین و تغییر جنسیت پاسخ داده است. فقها با استفاده از اصول فقهی و توجه به مصلحت عمومی، احکام متناسب با این مسائل را استنباط کرده‌اند. در حوزه

اقتصاد و بانکداری اسلامی، فقه امامیه به ارائه احکامی مانند ربا، مضاربه، مرابحه و صکوک پرداخته است. این احکام به نظام اقتصادی اسلامی این امکان را می‌دهند که با سیستم‌های مالی جهانی هم‌خوانی داشته باشد. در حوزه حقوق زنان و خانواده، فقه امامیه به مسائلی مانند ازدواج موقت، مهریه، طلاق و حضانت فرزندان پاسخ داده است. فقها با توجه به شرایط زمان و مکان، احکامی را صادر کرده‌اند که حقوق زنان و خانواده را تضمین می‌کند. همچنین، با توجه به اهمیت محیط زیست در عصر حاضر، فقه امامیه به مسائلی مانند آلودگی محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و حقوق حیوانات پرداخته است. فقها با استفاده از اصول فقهی، احکامی را صادر کرده‌اند که به حفظ محیط زیست کمک می‌کند.<sup>۱</sup>

### تحولات اجتماعی و جرائم جدید

ضرورت بازنگری در مجازات‌های شرعی ناشی از تحولات اجتماعی و جرائم جدید یکی از موضوعات مهم در فقه اسلامی و به ویژه در فقه امامیه است. با توجه به تحولات گسترده‌ای که در جوامع انسانی رخ داده است، بسیاری از جرائم و رفتارهای مجرمانه شکل جدیدی به خود گرفته‌اند و مصادیق جدیدی از جرائم ظهور کرده‌اند که در گذشته وجود نداشتند. این تحولات، ضرورت بازنگری در مجازات‌های شرعی را بیش از پیش آشکار می‌سازد تا بتوان با حفظ اصول کلی شریعت، به نیازهای جدید جامعه پاسخ داد. این بازنگری باید به گونه‌ای انجام شود که هم اهداف شریعت محقق شود و هم با شرایط متغیر اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی هم‌خوانی داشته باشد. یکی از اصلی‌ترین دلایل ضرورت بازنگری در مجازات‌های شرعی، تغییر ماهیت جرائم است. با پیشرفت تکنولوژی و تغییر سبک زندگی، ماهیت بسیاری از جرائم تغییر کرده است. برای مثال، جرائم سایبری، کلاهبرداری‌های اینترنتی، نقض حریم خصوصی در فضای مجازی و جرائم مرتبط با فناوری‌های نوین، مصادیقی هستند که در گذشته وجود نداشتند. هرچند در حقوق خصیصه کلی بودن قانون و گاه ابهام، اجمال، تعارض و یا سکوت قانون، ضرورت تفسیر را ایجاب می‌کند. در مقام شک در اراده قانون‌گذار، ابتدا باید کوشید، تا به اراده اصلی او واقف گردید و هرگاه از این جست‌وجو مأیوس شد، آن‌گاه چنین شکی را به نفع متهم تفسیر خواهد شد. در اثبات جرم نیز، هرگاه ادله اتهامی ناکافی باشد و یا دلیلی علیه متهم در دست نباشد تا بتوان بر مبنای آن، متهم را

<sup>۱</sup>. با وجود مزایای متعدد پویایی فقه امامیه، این مکتب فقهی با چالش‌ها و انتقاداتی نیز مواجه است. یکی از چالش‌های مهم، تعارض برخی از احکام جدید با نص‌های شرعی است. در چنین مواردی، فقها باید با دقت و احتیاط عمل کنند تا احکام صادره با اصول شرعی در تضاد نباشند. همچنین، سوء استفاده از اختیارات توسط فقها می‌تواند به صدور احکامی منجر شود که با مصلحت عمومی در تضاد باشد...

محکوم کرد، اصل بر برائت است، که اصولاً در این مقام، شک مساوی با عدم اثبات جرم بوده که در این گونه موارد، شک کاملاً به نفع متهم خواهد بود. (مؤذن زادگان، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴)

این جرائم نیاز به مجازات‌های متناسب با ماهیت خود دارند که ممکن است در متون فقهی سنتی به آن‌ها اشاره نشده باشد. علاوه بر این، تغییر شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز ضرورت بازنگری را ایجاد می‌کند. جوامع امروزی از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با جوامع گذشته تفاوت‌های بسیاری دارند. برخی از مجازات‌های سنتی ممکن است در شرایط فعلی کارایی خود را از دست داده باشند یا حتی باعث ایجاد مشکلات اجتماعی شوند. بنابراین، بازنگری در مجازات‌ها با توجه به شرایط جدید ضروری است. یکی دیگر از دلایل مهم، حفظ مصلحت عمومی است. یکی از اهداف اصلی شریعت، حفظ مصلحت عمومی و جلوگیری از فساد در جامعه است. با توجه به تغییرات اجتماعی، ممکن است برخی از مجازات‌های سنتی دیگر نتوانند به این هدف دست یابند. بازنگری در مجازات‌ها می‌تواند به حفظ مصلحت عمومی و تأمین امنیت اجتماعی کمک کند. همچنین، پیشگیری از جرائم نیز از اهداف مهم مجازات‌ها است. مجازات‌ها علاوه بر جنبه تنبیهی، باید دارای جنبه پیشگیرانه نیز باشند. با توجه به تحولات اجتماعی و ظهور جرائم جدید، ممکن است مجازات‌های سنتی نتوانند به عنوان ابزار پیشگیری مؤثر عمل کنند. بازنگری در مجازات‌ها می‌تواند به افزایش بازدارندگی و کاهش جرائم کمک کند. علاوه بر این، تطبیق با اصول حقوق بشر نیز از دلایل ضرورت بازنگری در مجازات‌ها است. در عصر حاضر، اصول حقوق بشر و کرامت انسانی از اهمیت بالایی برخوردار است. برخی از مجازات‌های سنتی ممکن است با این اصول در تضاد باشند. بازنگری در مجازات‌ها می‌تواند به تطبیق آن‌ها با اصول حقوق بشر و حفظ کرامت انسانی کمک کند. در حقوق کیفری به‌طور ویژه و در سایر شاخه‌های حقوق به‌طور کلی تعریف و تبیین موضوع شاخه حقوقی مربوطه، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است؛ زیرا هم گستره و حدود و ثغور آن رشته حقوقی را مشخص نموده و بدین ترتیب مانع تشّت شاخه‌های حقوقی شده و هم سبب احترام به حقوق شهروندی در سطح اجتماع می‌گردد.

(جعفری، ۱۴۰۰، ص ۷)

### گسترش جرائم فناورانه و عدم وجود متون

گسترش جرائم بر پایه فناوری و سکوت منابع فقهی یکی از چالش‌های مهمی است که فقه اسلامی و به ویژه فقه امامیه در عصر حاضر با آن مواجه است. با پیشرفت سریع فناوری و ظهور پدیده‌های نوین مانند فضای مجازی، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های دیجیتال، جرائم جدیدی به وجود آمده‌اند که در گذشته سابقه نداشته‌اند. این جرائم، که به جرائم سایبری معروف هستند،

شامل مواردی مانند هک، کلاهبرداری اینترنتی، نقض حریم خصوصی، انتشار اطلاعات جعلی، جرائم مالی الکترونیکی و سوء استفاده از داده‌ها می‌شوند. از آنجا که منابع فقهی سنتی مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل، به دلیل قدمت تاریخی‌شان، به این جرائم جدید اشاره‌ای نکرده‌اند، فقها با چالش‌هایی در استنباط احکام شرعی برای این جرائم مواجه هستند. این سکوت منابع فقهی، ضرورت بازنگری و تطبیق فقه با شرایط جدید را بیش از پیش آشکار می‌سازد.<sup>۱</sup> یکی از اصلی‌ترین دلایل سکوت منابع فقهی در مورد جرائم فناوری‌محور، قدمت این منابع است. قرآن و سنت در زمانی تدوین شده‌اند که فناوری‌های امروزی مانند اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و سیستم‌های کامپیوتری وجود نداشتند. بنابراین، طبیعی است که این منابع به جرائم مرتبط با فناوری‌های نوین اشاره‌ای نکرده‌اند. علاوه بر این، تغییر ماهیت جرائم نیز از دلایل مهم سکوت منابع فقهی است. جرائم سایبری ماهیتی کاملاً متفاوت با جرائم سنتی دارند. برای مثال، جرائمی مانند هک یا کلاهبرداری اینترنتی، در گذشته مصداقی نداشتند و بنابراین، در منابع فقهی سنتی به آن‌ها پرداخته نشده است. همچنین، پیچیدگی فناوری‌های جدید نیز باعث شده است که فقها در مواجهه با این جرائم، با چالش‌های فنی و حقوقی مواجه شوند. فناوری‌های دیجیتال و فضای مجازی بسیار پیچیده هستند و درک کامل آن‌ها نیاز به تخصص دارد، که این موضوع می‌تواند به سکوت یا کم‌توجهی منابع فقهی به این جرائم منجر شود. با وجود ضرورت تطبیق فقه با جرائم فناوری‌محور، این فرآیند با چالش‌هایی نیز مواجه است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، عدم تخصص فقها در فناوری است. بسیاری از فقها ممکن است درک کاملی از فناوری‌های جدید نداشته باشند، که این موضوع می‌تواند به چالش‌هایی در استنباط احکام منجر شود. علاوه بر این، تعارض با نص‌های شرعی نیز یکی دیگر از چالش‌ها است. در برخی موارد، تطبیق فقه با جرائم جدید ممکن است با نص‌های شرعی در تعارض باشد. در چنین مواردی، فقها باید با دقت و احتیاط عمل کنند. همچنین، سوء استفاده از اختیارات نیز یکی دیگر از چالش‌ها است. ممکن است برخی از حاکمان یا فقها از

۱. برخی چنین اعتقاد دارند که مستند ما برای مراجعه به فقه در امور کیفری اصل ۴ قانون اساسی است که می‌گوید «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد». این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است.<sup>۱</sup> این اصل هم‌تراز با سایر اصول نیست بلکه یک سر و گردن از همه اصول بالاتر است. اگر بخواهیم محل نزاع را روشن کنیم باید گفت رجوع به فقه در امور کیفری دو حالت دارد؛ گاهی رجوع برای تشخیص بهتر قانون است با این بیان که مطلبی را قانون گفته ولی این مطلب دارای ابهام است و ما برای رفع ابهام به فقه مراجعه می‌کنیم مثلاً در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در ماده ۲۶۰ مقرر بود که اگر کسی مرتکب قتل عمد شود و فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگش از اموالش دیه گرفته می‌شود اگر اموال نداشت از اقارب با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود. این ماده ابهام دارد در این که آیا ضمان اقارب همان ضمان عاقله است چون زن جزو عاقله نیست اما جزو الاقرب فالاقرب هست. برای مشخص کردن این ابهام می‌توان به فقه مراجعه کرد. (<https://www.mobahar.ir/fa/?p=378>)

اختیارات خود سوء استفاده کنند و مجازات‌های ناعادلانه یا سخت‌گیرانه اعمال کنند. (منبع، پیشین)

گسترش جرائم بر پایه فناوری و سکوت منابع فقهی در مورد این جرائم، چالش‌های جدیدی را پیش روی فقه اسلامی قرار داده است. با این حال، فقه اسلامی با استفاده از ابزارهایی مانند اجتهاد، مصلحت، احکام ثانویه و ولایت فقیه، می‌تواند به این چالش‌ها پاسخ دهد. تطبیق فقه با جرائم فناوری‌محور نه تنها به حفظ نظم و امنیت در جامعه کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که فقه اسلامی به عنوان یک نظام حقوقی پویا و انعطاف‌پذیر، بتواند به نیازهای متغیر جامعه پاسخ دهد. برای موفقیت در این فرآیند، همکاری بین فقها و متخصصان فناوری و همچنین نظارت دقیق بر فرآیند استنباط احکام، ضروری است. (منبع، پیشین)

این رویکرد نه تنها به حفظ اصول شریعت کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که فقه اسلامی در عصر حاضر نیز کارآمد و مؤثر باقی بماند. پس از تأسیس جمهوری اسلامی ایران و تدوین قانون اساسی آن رویه تغییر کرد و روش جدید تحلیل سکوت قانونی بنا نهاده شد که اهم آن در اصل ۱۶۷ قانون اساسی تجلی کرد و قاضی به جای رجوع به روح قانون ملزم به رجوع به منابع فقهی و فتاوی معتبر گردید و در دنباله آن در ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی، مصوب ۱۳۷۹ علاوه بر منابع فقهی و فتاوی معتبر به مقوله‌ای به نام «اصول حقوقی» نیز تصریح شد و بدین ترتیب بر اساس این مبنای ایجاد شده در جمهوری اسلامی ایران قاضی در هنگام روبه رو شدن با قضیه‌ای که حکمش در قانون نیامده و از راه تفسیر قانونی هم نمی‌تواند رفع مشکل کند، ملزم است حکم واقعه را در منابع فقهی، فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، جست‌وجو کند. (بندرچی، ۱۳۹۸، ص ۴۹) هرچند که می‌توان در این حوزه مدعی گردید که در دوران معاصر تحولات اجتماعی اقتضای به‌روزرسانی دیدگاه قانون‌گذار را متناسب با این دگرگونی‌ها دارد. (اعتمادی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۲۱۷) البته برخی تلاش داشته‌اند این تسری را به حقوق خصوصی نیز بکشانند در برخی منابع تصریح دارد تلاش نگارنده بر این است که مفهوم مصلحت‌گرایی و مواردی را که در قلمرو حقوق خصوصی شامل می‌شود به صورت مصداقی و به نحوی مناسب و قانع کننده بیان کند. حقوق فردی و مکتسبه‌ی اشخاص همواره مورد احترام بوده و کسی حق تعرض بدان‌ها را ندارد؛ لیکن، علی‌رغم ارزش و اعتباری که قانونگذار برای این حقوق قائل است، در مواردی به جهت اجرای مصلحت عمومی، حق و مصلحت در مقابل یکدیگر قرار گرفته و حدی از تنش و تزاخم میان اجرای حقوق فردی و رعایت مصلحت عمومی ایجاد خواهد شد که عقلاً و بر طبق قاعده‌ی ترجیح اهم بر مهم که مورد پذیرش اسلام می‌باشد، باید مصالح عمومی را اجرا کرد و حقوق فردی را فرو گذاشت. (توجه شود به، رضایی، ۱۴۰۲، ص ۱)

## ضرورت رفع نیاز مبنای مصلحت

جرم‌انگاری مصلحت‌گرایانه به آن دست جرم‌انگاری‌هایی گفته می‌شود که بر اساس اصل مصلحت مشروعیت می‌یابند. مصلحت مفهومی رایج و پرکاربرد است که برداشت‌های متفاوتی از آن می‌شود. (خسرو شاهی و دیگران ، ۱۳۹۸ ، ص ۱۷۵ ) بنا به همین امورات امروزه شاهد برخی تهاجمات سیاسی و رسانه‌ای از سوی جهان غرب هستیم که در پی مخدوش نشان دادن شریعت اسلامی هستند، یکی از این موارد، بحث مجازات‌های بدنی در حوزه حقوق کیفری است که حساسیت‌های نسبتاً بالایی نسبت به آن وجود دارد. علت اصلی این حساسیت‌ها نیز به این مسئله برمی‌گردد که ریشه برخی از این مجازات‌ها فقه و شرع است. (موسوی فرد و دیگران ، ۱۴۰۲ ، ص ۱۱۷) مصلحت‌گرایی، سیاست خاصی است که متأثر از منابع حقوق جزای اسلامی، امکان سنجش سودمندی واکنش‌های جزایی را از طرف دادرسان فراهم می‌سازد. از سوی دیگر، پذیرش نقش فعال بزه دیده، در رسیدگی‌های کیفری و تاثیر اراده او به عنوان منشا فرایند کیفری و نیز سقوط مجازات، زمینه ترمیم صدمات و خسارات وارد به مجنی علیه را ممکن می‌سازد. اگر چه دو نهاد مصلحت‌گرایی و حقوق الناس، هرگز در تعارض با یکدیگر قلمداد نشده اند؛ اما در مواردی در صورت تزامم قواعد یادشده با یکدیگر، در مقام عمل، ناگزیر از برتری یکی و حذف یا تضعیف نقش دیگری خواهیم بود. (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۴)

رفع نیازهای کیفری جامعه بر مبنای مصلحت فقهی یکی از اصول مهم در نظام حقوقی اسلام است که هدف آن تأمین عدالت، حفظ نظم عمومی و تحقق مصالح فردی و اجتماعی است. این رویکرد مبتنی بر اصول فقهی و شرعی است که در چارچوب احکام اسلامی به دنبال حل مشکلات و معضلات جامعه با توجه به شرایط زمان و مکان است. مصلحت در فقه اسلامی به معنای جلب منفعت و دفع ضرر است و به عنوان یکی از مبانی مهم در استنباط احکام شرعی مورد توجه قرار می‌گیرد. فقها با توجه به مصالح عمومی جامعه، احکامی را صادر می‌کنند که همسو با اهداف شریعت و نیازهای روز جامعه باشد. در حوزه کیفری نیز مصلحت می‌تواند به عنوان معیاری برای تعیین مجازات‌ها و تدابیر پیشگیرانه مورد استفاده قرار گیرد. مصلحت در فقه شیعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ قاعده مصلحت به معنی اصل رعایت مصلحت عمومی است و می‌تواند به صورت احکام ثانویه و یا احکام حکومتی حکم ساز باشد. احکام در حوزه کیفری مانند سایر احکام شرعی، همواره تابع مصالح و مفاصدند. (خوشباف و دیگر همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱)

البته برخی معتقدند با مذاقه در میزان و نوع این کیفرها، تضادها و واگرایی‌های فراوانی بین نظام کیفری ایران و نظام حقوقی اسلام ملاحظه می‌گردد. (توجه شود به :جاوید مهر و دیگران ، ۱۴۰۲ ، ص ۳۹۲) رفع نیازهای کیفری بر مبنای مصلحت فقهی به دنبال ایجاد تعادل بین حفظ حقوق

فردی و مصالح عمومی است. این رویکرد از افراط در اجرای مجازات‌ها و نیز از سهل‌انگاری در برخورد با جرائم جلوگیری می‌کند. هدف نهایی، تحقق عدالت و امنیت در جامعه است. در نظام کیفری اسلام، پیشگیری از جرم از طریق آموزش، تربیت و ایجاد محیطی سالم مورد توجه قرار گرفته است. مصلحت فقهی ایجاب می‌کند که علاوه بر مجازات مجرم، به ریشه‌یابی علل جرائم و جلوگیری از وقوع آنها نیز توجه شود. این امر با توجه به مصالح جامعه و حفظ ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی صورت می‌گیرد. یکی از اهداف مهم شریعت اسلامی، حفظ کرامت انسانی است. در اجرای احکام کیفری نیز این اصل باید مورد توجه قرار گیرد. مصلحت فقهی ایجاب می‌کند که مجازات‌ها به گونه‌ای اجرا شوند که کرامت انسانی افراد حفظ شود و از هرگونه ظلم و ستم جلوگیری گردد. در برخی موارد، مصلحت فقهی ممکن است ایجاب کند که به جای اجرای مجازات‌های سخت‌گیرانه، از روش‌های ترمیمی مانند اصلاح رابطه بین مجرم و قربانی استفاده شود. این رویکرد می‌تواند به بازسازی اجتماعی و کاهش تنش‌ها در جامعه کمک نماید. رفع نیازهای کیفری جامعه بر مبنای مصلحت فقهی، رویکردی متعادل و کارآمد است که همسو با اهداف شریعت اسلامی و نیازهای روز جامعه است. این رویکرد به دنبال تحقق عدالت، حفظ نظم عمومی و تأمین مصالح فردی و اجتماعی است و با توجه به شرایط زمان و مکان، احکام کیفری را به گونه‌ای تطبیق می‌دهد که بیشترین منفعت و کمترین ضرر را برای جامعه به همراه داشته باشد. (منبع، پیشین)

استناد به مصلحت در سیاستگذاری جنایی همواره از موضوعات چالشی میان فقها و حقوقدانان تلقی شده است. علیرغم تمام ایراداتی که توسط مخالفان حجیت و کاربرد مصلحت در امور فقهی و حقوقی اقامه گردیده ولیکن ضرورت استناد به آن البته در پرتو ضوابط شرعی و عقلی در لزوم رعایت مصالح و مقتضیات زمان و مکان و در صدور احکام و تدوین قوانین ضمن از بین بردن محجوریت اسلام و کاهش شبهه تحجر و تصلب دینی در عدم تأمین نیازهای ضروری انسان، باعث فتح بابی ضابطه‌مند در تجدیدنظر در موضوعات مستحدثه خواهد شد. بنابراین ضرورت دارد تا با توجه به حساسیت‌های موجود درباره کاربرد مصلحت در امور کیفری که مستقیماً با حقوق بنیادین افراد رابطه دارد، ضوابط استناد به آن در مصلحت‌انگاری در ابعاد مختلف سیاست جنایی تبیین گردد. قلمرو کاربرد مصلحت را نبایستی صرفاً منحصر به نوع خاصی از احکام مانند تعزیرات دانست بلکه به دلیل تبعیت تمام احکام از مصالح و مفاسد نفس‌الامری، در تمام احکام جاری و ساری خواهد بود ولیکن این جریان منطبق با قواعد و ضوابط کلی عقلی و شرعی و تحت ضوابطی خواهد بود که در این جستار احصا گردیده است. (رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۹) البته این رویکرد به دیگر حوزه های علوم انسانی نیز کشیده شده است مصلحت‌گرایی در حوزه تصمیم‌گیری سیاست‌ خارجی تسری دارد. (فیروزآبادی و دیگران، ۱۴۰۱، ص ۶۲)

## نتیجه گیری

اینجا به بررسی رابطه‌ی پیچیده‌ی میان مصلحت و ضرورت در به‌روزرسانی قوانین کیفری و نقش متون اسلامی در تعیین مجازات‌ها می‌پردازد. در جوامع اسلامی، قوانین کیفری اغلب بر پایه‌ی متون دینی و فقهی استوار هستند. این متون، اگرچه از نظر اصولی ثابت و تغییرناپذیر به نظر می‌رسند، اما در مواجهه با تحولات سریع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و فناوری، با چالش‌هایی روبرو هستند. از یک سو، مصلحت عمومی و ضرورت‌های اجتماعی ایجاب می‌کند که قوانین کیفری به‌روزرسانی شوند تا بتوانند به‌طور مؤثر به مسائل جدید پاسخ دهند. از سوی دیگر، این به‌روزرسانی‌ها باید در چارچوب اصول اسلامی و شریعت انجام شود تا مشروعیت خود را حفظ کنند. نشان می‌دهد که میان مصلحت و ضرورت در به‌روزرسانی قوانین، هم‌تقابل و هم‌تعامل وجود دارد. از یک طرف، مصلحت عمومی ممکن است ایجاب کند که قوانین جدیدی وضع شوند یا قوانین موجود اصلاح گردند تا پاسخگوی نیازهای جامعه باشند. برای مثال، جرایم سایبری یا مسائل زیست‌محیطی امروزی در متون سنتی فقهی به‌طور صریح مورد اشاره قرار نگرفته‌اند. از طرف دیگر، ضرورت حفظ اصول اسلامی و عدم تخطی از شریعت، ممکن است محدودیت‌هایی را در به‌روزرسانی قوانین ایجاد کند. این تقابل، نیازمند یافتن راه‌حل‌هایی است که هم به نیازهای جامعه پاسخ دهد و هم در چارچوب اصول اسلامی باقی بماند. متون اسلامی، به‌ویژه قرآن و سنت، به عنوان منابع اصلی تعیین مجازات‌ها در جوامع اسلامی مطرح هستند. با این حال، این متون به دلیل ثبات و عدم انعطاف، ممکن است نتوانند به‌طور کامل با نیازهای متغیر جامعه هماهنگ شوند. برای مثال، مجازات‌های حدی (مانند حد سرقت یا زنا) در متون اسلامی به‌طور صریح تعیین شده‌اند، اما در مواجهه با مسائل جدید مانند جرایم سایبری یا جرایم مرتبط با فناوری‌های نوین، این متون پاسخ‌گوی کامل نیستند. این مسئله، ضرورت اجتهاد پویا و تفسیر خلاقانه‌ی متون اسلامی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

می‌توان گفت: که برای حل این چالش‌ها، می‌توان از ابزارهایی مانند اجتهاد پویا و توجه به مصلحت عمومی استفاده کرد. اجتهاد پویا به فقها و حقوقدانان این امکان را می‌دهد که با توجه به شرایط زمان و مکان، قوانین را به‌روزرسانی کنند و در عین حال، اصول کلی شریعت را حفظ نمایند. برای مثال، در مواجهه با جرایم جدید، می‌توان با استناد به اصول کلی مانند عدالت، مصلحت عمومی و جلوگیری از فساد، مجازات‌های مناسب را تعیین کرد. همچنین، مصلحت عمومی به عنوان یک اصل مهم در فقه اسلامی، می‌تواند راهگشای تدوین قوانینی باشد که هم پاسخگوی نیازهای جامعه باشند و هم با ارزش‌های اسلامی سازگاری داشته باشند. مصلحت عمومی به معنای توجه به منافع عمومی جامعه و جلوگیری از ضررهای بزرگ‌تر است.

این اصل می‌تواند به عنوان مبنایی برای به‌روزرسانی قوانین کیفری در مواردی که متون صریح اسلامی وجود ندارد، مورد استفاده قرار گیرد. نتیجه می‌گیرد که عدم وجود متون صریح اسلامی در تعیین مجازات‌های جدید، لزوماً به معنای تعارض میان قوانین مدرن و اصول دینی نیست. با بهره‌گیری از روش‌های اجتهادی و توجه به مصلحت عمومی، می‌توان قوانین کیفری را به گونه‌ای طراحی کرد که هم نیازهای جامعه را برآورده سازد و هم در چارچوب اصول اسلامی قرار گیرد. این رویکرد نه تنها به انعطاف‌پذیری قوانین کمک می‌کند، بلکه باعث می‌شود که قوانین کیفری در عین مدرن بودن، از پشتوانه‌های دینی و اخلاقی نیز برخوردار باشند. تأکید می‌کند که برای دستیابی به این تعادل، همکاری میان فقها، حقوقدانان و سیاست‌گذاران ضروری است. این همکاری می‌تواند به ایجاد قوانینی منجر شود که هم پاسخگوی نیازهای جامعه باشند و هم با اصول اسلامی سازگاری داشته باشند.

### فهرست منابع و مآخذ

- عظیمی نیا، سید علی، (۱۳۹۹)، بررسی جایگاه مصلحت در اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز، <https://civilica.com/doc/1018986>
- رستمی نجف آبادی، حامد. (۱۴۰۱). واکاوی مفهوم مصلحت و کاربرد آن در مجازات‌های شرعی با نگاهی به قانون مجازات اسلامی. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۴(۲۸).
- رازمند، عبدالرضا، ۱۳۹۸، تأثیر زمان و مکان بر جرم و مجازات، دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی حقوق و علوم سیاسی، اردبیل، <https://civilica.com/doc/1018648>
- هاشمی، محمد و دیگران (۱۴۰۲). پویایی فقه امامیه در مواجهه با مسائل مستحدثه با تأکید بر فرآیند بایسته اجتهاد. مطالعات دین پژوهی، ۷(۱۴).
- جعفری، فریدون. (۱۴۰۰). چالش تعریف جرم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲. پژوهش‌های حقوقی، ۲۰(۴۵).
- مؤذن زادگان، حسنعلی و غلامعلی زاده، حسن. (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی جایگاه تفسیر شک به نفع متهم در حقوق کیفری. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۰(۲).
- بندرچی، محمدرضا. (۱۳۹۸). سکوت قانون و روش شکست آن. تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، ۲(۳).
- جدیری خوشباف، بهمن و پورجمال، یعقوب، (۱۳۹۸)، مصلحت و جایگاه آن در قانونگذاری (تقنین)، چهارمین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی، <https://civilica.com/doc/1001147> همدان،

- رضایی، محسن و میرزایی، محمد. (۱۳۹۹). ضوابط حاکم بر کاربرد مصلحت‌دینی در سیاستگذاری‌های جنایی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸(۳۱).
- موسوی فرد، سیدمحمدرضا، شمسی زاد، زهرا، نوروزیان، حمیدرضا و منصوری، پیمان. (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی ضرورت همگرایی مصلحت‌گرایانه فقهی مجازات‌های بدنی در حقوق کیفری ایران و دیگر کشورهای اسلامی با حقوق بین‌الملل. مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۱۱(۱).
- جاوید مهر، مسیب، قاسمی، مسعود و وروایی، اکبر. (۱۴۰۰). کیفرگذاری مبتنی بر مصلحت در مجازات‌های تعزیری. ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۴(۳).
- صادقی، محمدهادی. (۱۳۸۴). تزاخم مصلحت‌گرایی و حقوق بزه دیده در حقوق جزای اسلامی. مدرس علوم انسانی، ۹(۳) (پیاپی ۴۰) ویژه نامه حقوق.
- اعتمادی، امیر و زالی‌پور مداب، مهران. (۱۴۰۰). مصلحت‌گرایی در عفو یا تبدیل مجازات محکومان به حبس‌های غیرتعزیری. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۹(۳۴).
- رضایی، ابوالقاسم، (۱۴۰۲)، قلمرو مصلحت‌گرایی در حقوق خصوصی، پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در روانشناسی، حقوق و مدیریت فرهنگی، تهران، <https://civilica.com/doc/1751299>
- خسروشاهی، قدرت الله و گنجی، علی. (۱۳۹۸). بررسی جرم‌انگاری مصلحت‌گرایانه در نظام جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸(۲۸).
- دهقانی فیروز آبادی، سیدجلال و آگاهی، علیرضا. (۱۴۰۱). رهیافت مصلحت‌گرایی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی فرایند پذیرش قطعنامه ۵۹۸. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۰(۲۲).